**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه**93**– 17/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته اقوال فقهاء در ذیل آیه اول سوره طلاق بیان شد. در این جلسه نیز استاد معظم اقوال فقهاء را به صورت مفصل‌تری شرح خواهند داد و به وجه هر یک از آنجا اشاره خواهند کرد. ایشان در ادامه مختار خود را در مسئله ارائه می‌دهند.

**اقوال فقهاء در ذیل آیه «الا ان تأتین بفاخشة مبیّنه»**

بنده اقوال فقهاء تا کتاب مختصر النافع را جمع‌بندی کردم. در ادامه عبارات فقهاء را می‌خوانیم و نسبت به برخی از آنها توضیحاتی ارائه می‌دهیم.

**قول اول**: شیخ مفید8 در مقنعه چنین می‌فرماید:

**«فإن أتت فی منزله بفاحشة تستحق علیها الحد أخرجها منه لیقام علیها حد الله تعالی حد الله تعالی»**[[1]](#footnote-1)

محقق8 نیز در عبارتی شبیه عبارت شیخ مفید8 در مختصر النافع می‌گوید:

**«لا یجوز لمن طلق رجعیا أن یخرج الزوجة من بیته إلا أن تأتی بفاحشة، و هو ما یجب به الحد. و قیل أدناه أن تؤذی أهله»**[[2]](#footnote-2)

ایشان این نکته را بیان نکرده‌اند که آیا «**ما یجب به الحد**» مسقط حق سکنی است یا نه؟ همچنین گویا از تعبیر ایشان (**و قیل ادناه أن تؤذی اهله**) استفاده می‌شود که خود ایشان این مطلب را قبول ندارند. در حاشیه الارشاد شهید ثانی8 هم، کلمه فاحشه به این صورت معنا شده است.

**قول دوم**: در کافی ابی الصلاح و غنیه و اصباح الشیعه به نکته «**اذی الزوج**» اشاره شده است. عبارت چنین است:

**«ما تستحق علیه الحد فیخرجها لاقامته أو اذی الزوج»**[[3]](#footnote-3)

**قول سوم**: در سرائر چنین آمده است:

**«و لا یجوز له إخراجها منه، إلا أن تؤذی أهله، أو تأتی فیه بما یوجب الحدّ، فیخرجها لإقامته، و لا یجب علیه ردّها إلیه**.»[[4]](#footnote-4)

یعنی هم "**ایذاء الرجل**" و هم "**ما تستحق علیه الحد"**، مسقط حق سکنی است.

**قول چهارم**: در تفسیر قمی چنین می‌خوانیم:

**«أن تزنی أو تشرف علی الرجال- و من الفاحشة أیضا السلاطة علی زوجها- فإن فعلت شیئا من ذلک حل له أن یخرجها**.»[[5]](#footnote-5)

**قول پنجم**: عبارت مبسوط چنین است: **البذائه علی اهل زوجها**[[6]](#footnote-6)**.** عبارت کتاب خلاف همانند عبارت مبسوط است با این تفاوت که در آنجا به عموم آیه استدلال شده و معنای عامی ارائه گردیده است[[7]](#footnote-7).

**قول ششم**: معنای ششمی که در ذیل این آیه بیان شده، «**الاولی حملها علی** **کل معصیةٍ**» است. این معنا در تبیان و مجمع البیان در ذیل آیات دیگری که تعبیر «**فاحشه مبینه**» وارد شده، بیان کردیده است. ایشان در آن آیات به **اصالة العموم** تمسک کرده‌اند[[8]](#footnote-8).

در مقام برخی اقوال نامشخص وجود دارد که مراد از آنها کاملا واضح نیست. عبارت خلاف از این قبیل است؛ چرا که روشن نیست آیا مراد ایشان **کل معصیة** است یا به **اصالة العموم** تمسک می‌کنند. قدر مسلم عبارت ایشان این است که اذیت زوج و برخی امور دیگری که روشن نیست، مشمول این حکم است. همچنین عبارت مهذب[[9]](#footnote-9) و نهایه[[10]](#footnote-10) نیز روشن نیست؛ زیرا اینکه ایشان گفته‌اند «**ادناه أذی الزوج**» ضابطه «**ادنی**» روشن نیست و مبهم است. عبارت الجامع للشرایع نیز ابهام دارد. یحیی بن سعید در الجامع للشرایع می‌فرماید:

**«إذا وجب علی الرجعیة حد أخرجت للحد ثم ردت الی البیت. و إذا کانت مع بیت احمائها**[[11]](#footnote-11) **فبذت علیهم أخرجت إلی بیت** **آخر»**[[12]](#footnote-12)

از این عبارت به دست می‌آید که در این دو مورد، زن از خانه خارج می‌شود اما ایشان ضابطه این امر را مشخص نکرده است و این احتمال وجود دارد که در موارد دیگری هم این حکم جریان داشته باشد. عبارت شرایع نیز مبهم است:

**«إلا أن تأتی بفاحشة و هی أن تفعل ما یجب به الحد فتخرج لإقامته و أدنی ما تخرج له أن تؤذی أهله»**[[13]](#footnote-13)

ایشان نیز ضابطه «**ادنی**» را مشخص نکرده‌اند. در عبارت برخی از فقهای دیگر نیز این ضابطه مشخص نشده است.

**وجه اقوال**

**وجه قول اول**: توجه به این نکته لازم است که در این قول «**ما تستحق علیه الحد**» خصوص زنا نیست برخلاف اقول فقهای عامه مانند ابن مسعود که بر خصوص زنا حمل شده است «**و قال ابن مسعود: الفاحشة أن تزنی فتخرج فتحد ثمَّ ترد الی موضعها، و به قال الحسن**»[[14]](#footnote-14). به نظر می‌رسد نظر

شیخ مفید8 چنین است: به قرینه سایر آیات، اصل در معنای فاحشه، زنا است اما خصوص اجرای حد، خصوصیتی ندارد و با تنقیح مناط می‌توان در سایر حدود نیز آن را جاری دانست.

**وجه قول دوم**: با توجه به روایات، «**اذی الزوج**» نیز به زنا ملحق می‌شود.

**وجه قول سوم و چهارم**: ابن ادریس ره فرموده است: زن برای اقامه حد خارج می‌شود و در صورت خارج شدن به خانه بازنمی‌گردد چرا که دلیلی بر بازگشت نیست. عبارت ایشان چنین بود:

**«لا یجوز له إخراجها منه، إلا أن تؤذی أهله، أو تأتی فیه بما یوجب الحدّ، فیخرجها لإقامته، و لا یجب علیه ردّها إلیه.و قال بعض أصحابنا: یخرجها لإقامته، و یردّها، و لا تبیت إلا فیه، و لا یردّها إذا أخرجها للأذی. ‌و الأظهر أن لا یردّها فی الموضعین، لأنّ ردها یحتاج إلی دلیل.»**[[15]](#footnote-15)

لکن به نظر می‌رسد کلام ایشان وجهی ندارد. زیرا ممکن است کسی ادعا کند که فاحشه، خصوص زناست و تعدی از زنا به سایر **ما یوجب الحد**، به سبب تنقیح مناط انجام می‌شود. از آنجا که خروج از خانه برای اجرای حد، ضرورت عرفیه دارد، این تنقیح مناط صحیح خواهد بود. از این رو کلام ایشان که فرموده‌اند: سقوط حق سکنی، به جهت اجرای حد نیست بلکه زنا ذاتا مسقط این حق است، صحیح نیست. بلی اگر ما قول علی بن ابراهیم را بپذیریم در این صورت اشکالی وجود ندارد که بگوییم تنها زنا مسقط حق سکنی است. عبارت علی بن ابراهیم چنین بود: «**أن تزنی أو تشرف علی الرجال- و من الفاحشة أیضا السلاطة علی زوجها- فإن فعلت شیئا من ذلک حل له أن یخرجها**» یعنی این حکم اختصاص به زنا دارد و شامل سایر **"ما یوجب الحد"** نمی‌شود لکن "**السلاطه علی زوجها"**، به سبب روایات به زنا ملحق شده است.

**نظر استاد در مسئله**

به نظر ما فاحشه، در خصوص زنا ظهور ندارد. مکی بن حموش در کتاب **الهدایه الی بلوغ النهایه** چنین می‌گوید: «**وإذا کانت الفاحشة بالألف واللام فهی الزنا واللواط**[[16]](#footnote-16)» او در جای دیگری می‌گوید: «**فإذا أتت الفاحشة بالألف واللام فهی الزنا واللواط**[[17]](#footnote-17)». گویا ایشان الف و لام موجود در **الفاحشه** را به معنای عهد دانسته است. المحرر الوجیز ظاهرا به عبارت مکی بن حموش اشاره کرده، به بی‌دقتی به این صورت نقل می‌کند: «**وقال بعض الناس الفاحشة متی وردت معرفة فهی الزنا، ومتی جاءت منکرة فهی المعاصی یراد بها سوء عشرة الزوج ومرة غیر ذلک**[[18]](#footnote-18)». لکن در کلام مکی بن حموش نکته خاصی به این صورت بیان شده است: «**فإذا أتت الفاحشة بالألف واللام فهی الزنا واللواط. وإذا أتت نکرة غیر منعوتة ببینة فیه تصلح للزنا وغیره من الذنوب**[[19]](#footnote-19)» حال این سوال به وجود می‌آید که اگر کلمه **بینه** ذکر شده باشد، چگونه خواهد بود؟ ایشان در جایی دیگر به این سوال چنین پاسخ می‌دهد: «**وقوله: {إِلاَّ أَن یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَیِّنَةٍ} ، معناه أن تشتم عرضه، أو تخالف أمره وتبذو علیه، فکل فاحشة (نعتت) مبینة فهی من البَذاء باللسان، وکل فاحشة مطلقة فهو الزنا،** **والزنا یُسْتَر ویَخفی، فلا تکون مبینة، والنطق بالبذاء یظهر، فهو مبین من لسان فاعله، ودل (علی) ذلک قوله: {یانسآء النبی مَن یَأْتِ مِنکُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَیِّنَةٍ} عنی بذلک مخالفة أمر** **الرسول** **ص**  **والأذی بالنطق ونعوذ بالله من أن یعنی** بذلک [**الزنا و هذا معنا قول ابن بکیر**[[20]](#footnote-20)]»

یعنی خطاب قرار دادن زنان پیامبر9 به چنین جمله شرطیه‌ای (شما ای زنان پیامبر9 اگر زنا بکنید ...) توهین به آنهاست.

توضیح مطلب اینکه: دو قرائت وجود دارد: 1- **مبیَّنه** 2- **مبیِّنه**. کلمه **بیَّن** هم به صورت لازم (أی: **تبیّن**) و هم به صورت متعدی (آشکار کردن) استعمال می‌شود. **مبیِّنه** به معنای آشکار و ظاهر است و کلمه **مبیَّنه** به معنای "آشکار کرده شده" (یعنی به وسیله‌ای آشکار کرده شده) می‌باشد. اگر **مبیَّنه** باشد، گفته‌اند معنای آن این است که زنا، به وسیله شهادت شهود آشکار شده است. اما اگر **مبیِّنه** باشد طبق این قول به این معنا خواهد بود که این گناه خود به خود آشکار است؛ یعنی عامل انسانی در آشکار شدن آن دخالت ندارد بلکه تنها از آنجا که این گناه به وسیله خدا و پیامبر9 بیان شده، آشکار است بر خلاف **مبیَّنه** که به سبب عامل انسانی آشکار شده است. مکی بن ابی طالب، **فاحشه مبیَّنه** را به این معنا می‌داند که آن عمل خارجی مبیَّن باشد از این رو زنا که عمل خارجی آشکار نیست و در خفاء انجام می‌گیرد، **فاحشه مبیَّنه** نخواهد بود. اما بذاء و امثال آن که آشکارا آنجام می‌شود، **فاحشه مبیَّنه** است. در روایات ما نیز اینکه فاحشه مبیَّنه به معنای «**خروج بالسیف**[[21]](#footnote-21)» دانسته شده است، با این توضیح مساعد است و البته **خروج بالسیف** خصوصیتی ندارد.

لکن این کلام مکی بن ابی طالب که فاحشه به قول مطلق به خصوص زنا انصراف داشته باشد، چندان روشن نیست؛ مثلا در آیاتی نظیر (إِنَّمَا یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ)[[22]](#footnote-22) و (وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ)[[23]](#footnote-23) چنین ظهوری استفاده نمی‌شود. بلی این کلمه در برخی از آیات در معنای زنا و یا لواط به کار رفته است؛ مانند آیه (وَ اللَّاتِی یَأْتِینَ الْفاحِشَةَ مِنْ نِسائِکُم[[24]](#footnote-24)) که در معنای زنا و آیه (وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَة[[25]](#footnote-25)) که در معنای لواط به کار رفته است. کلمه فاحشه (بدون الف و لام) تنها در آیه 25 سوره نساء به معنای زنا به کار رفته است: (فَإِذا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَیْنَ بِفاحِشَةٍ فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ ما عَلَی الْمُحْصَناتِ مِنَ الْعَذابِ). البته ممکن است در این آیه کلمه فاحشه به قرینه حکمی که در آیه ذکر شده است (اگر اماء مرتکب فاحشه شوند، نصف مجازات محصنات را دارند) به زنا انصراف یافته باشد (همانطور که با الف و لام عهد چنین انصرافی ایجاد می‌شود). بنابراین ما در قرآن آیه‌ای را نیافتیم که در آن فاحشه بدون الف و لام و بدون قرینه دلالت بر زنا داشته باشد. لکن این کلام ما به این معنا نیست که فاحشه همراه با الف و لام حتما دلالت بر زنا دارد.

ممکن است گفته شود این کلام با آیه (ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن[[26]](#footnote-26)) قابل نقض است؛ چرا که این آیه ناظر به خصوص زنا نیست. لکن این نقض صحیح نیست؛ چون برخی گفته‌اند: در این آیه نیز خصوص زنا اراده شده است؛ زیرا آنها چنین اعتقاد داشتند که اگر زنا به صورت پنهانی انجام گیرد، اشکالی ندارد بر خلاف زنای آشکار که اشکال دارد.

بنابراین به نظر ما کلمه فاحشه مطلق است و به خصوص زنا انصراف ندارد لکن در بعض موارد ممکن است به سبب تناسبات حکم و موضوع، به یک نوع خاصی انصراف پیدا کند.

و صلی الله علی سیّدنا و نبینا محمد و ال محمد

1. المقنعه، شیخ مفید، ج1، ص533. [↑](#footnote-ref-1)
2. المختصر النافع في فقه الإمامية، ج1، ص: 202 [↑](#footnote-ref-2)
3. الکافی للحلبی، أبو الصلاح الحلبی، ج1، ص312.

   و لا يخرجها الا أن تؤذيه أو تأتي في منزله ما يوجب الحد فيخرجها لإقامته و يردها اليه، و لا تبيت الا فيه، و يخرجها للأذى من غير رد

   غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، ص: 385 : و لا يجوز له إخراجها منه إلا أن تؤذيه، أو تأتي فيه بما يوجب الحد، فيخرجها لإقامته و يردها، و لا تبيت إلا فيه، و لا يردها إذا أخرجها للأذى، و روى أن أقل ما يحصل به الأذى أن تخاصم أهل الرجل.

   إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص: 467 : و لا يجوز له إخراجها منه إلا أن تؤذيه أو تأتي فيه بما يوجب الحد فيخرجها لإقامته و يردها، و لا تبيت إلا فيه، و لا يردها إذا أخرجها للأذى، و روي أن أقل ما يحصل به الأذى أن تخاصم أهل الرجل. [↑](#footnote-ref-3)
4. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج2، ص: 738 [↑](#footnote-ref-4)
5. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج2، ص374. [↑](#footnote-ref-5)
6. المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج5، ص253.

   و هو أن تبذو على بيت أحمائها و تشتمهم على خلاف فيه [↑](#footnote-ref-6)
7. الخلاف، شیخ طوسی، ج5، ص70.

   الفاحشة التي تحل إخراج المطلقة من بيت زوجها أن تشتم أهل الرجل و تؤذيهم و تبدو عليهم و به قال ابن عباس. و إليه ذهب الشافعي. و قال ابن مسعود: الفاحشة أن تزني، فتخرج و تحد، ثم ترد إلى موضعها. و به قال الحسن البصري. دليلنا: عموم الآية و إجماع الفرقة [↑](#footnote-ref-7)
8. مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج‏3، ص: 40 و التبيان فى تفسير القرآن، ج‏3، ص: 150 [↑](#footnote-ref-8)
9. المهذب (لابن البراج)، ج2، ص: 318

   و الفاحشة ان تفعل ما يجب عليها به الحد، فاذا فعلت ذلك أخرجت و أقيم عليها الحد، و قد روى ان أقل ما يجوز إخراجها معه ان تؤذي أهل زوجها، فان فعلت ذلك جاز إخراجها. [↑](#footnote-ref-9)
10. النهایة، شیخ طوسی، ج1، ص534.

    و الفاحشة أن تفعل ما يجب فيه عليها الحدّ. فإذا فعلت ذلك، أخرجت، و أقيم عليها الحدّ. و قد روي أنّ أدنى ما يجوز له معه إخراجها: أن تؤذي أهل الرّجل. فإنّها متى فعلت ذلك، جاز له إخراجها [↑](#footnote-ref-10)
11. حمو الرجل به معنای خویشاوندان زن و حمو المرأه به معنای خویشاوندان مرد است. [↑](#footnote-ref-11)
12. الجامع للشرائع، ص: 472 [↑](#footnote-ref-12)
13. شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج3، ص31. [↑](#footnote-ref-13)
14. المؤتلف من المختلف بين أئمة السلف، ج2، ص: 273 [↑](#footnote-ref-14)
15. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج2، ص: 737 - 738 [↑](#footnote-ref-15)
16. الهدايه الي بلوغ النهايه ، جلد 2 صفحه 1266 [↑](#footnote-ref-16)
17. همان جلد 9 ص 5826 [↑](#footnote-ref-17)
18. المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز (ابن عطية) جلد 5 صفحه 323 [↑](#footnote-ref-18)
19. الهدايه الي بلوغ النهايه جلد 9 ص 5826 [↑](#footnote-ref-19)
20. داخل کروشه در کلام استاد بیان شده است. «مقرر» [↑](#footnote-ref-20)
21. اشاره به این روایت است: تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج2، ص193.

    حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يا نِساءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَيْنِ» قَالَ: الْفَاحِشَةُ الْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ. [↑](#footnote-ref-21)
22. سوره بقره آیه 169 [↑](#footnote-ref-22)
23. سوره آل عمران آیه 135 [↑](#footnote-ref-23)
24. سوره نساء آیه 15 [↑](#footnote-ref-24)
25. سوره اعراف آیه 80 [↑](#footnote-ref-25)
26. سوره انعام آیه 151 [↑](#footnote-ref-26)